

مجلس دوازدهم

سیره عبادی امام سجاد علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین سیدسجاد ایزدهی*

درآمد

بررسی زوایای مختلف زندگی ائمه معصومین علیهم السلام از جهات مختلفی حائز اهمیت است؛ تا آنجا که بدون پرداختن به این نکات، ابعاد مختلف زندگی پربرکت ایشان با هجمه فراوانی از شبهات مواجه خواهد شد. از طرفی دیگر پژوهش در سیره اجتماعی، سیاسی و اخلاقی امامان معصوم علیهم السلام الگویی مناسب برای روش مندشدن شیوه زندگی ماست. امام سجاد علیه السلام یکی از شخصیت‌ها و اسوه‌هایی است که پرداختن به شیوه زندگی ایشان از بایسته‌هاست؛ زیرا شبهات متعددی درباره زندگی سیاسی، اجتماعی حضرت ایجاد شده است. برخی اعتقاد دارند: ایشان فقط به عبادت می‌پرداخته و از وضعیت جامعه و حکومت زمان خود بی‌اطلاع و به آن بی‌توجه بوده است؛^۱ در حالی که ایشان ضمن بررسی وضع عصر خود به بررسی

* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱. ابن‌سعد کاتب واقدی، طبقات الکبری، ج ۵، ص ۱۶۶.

حکومت و رفع مشکل مسائل جهان اسلام می‌پرداخته است؛ با این تفاوت که این امر برای جامعه در قالب دعا و عبادت نمود می‌یافته است. این بحث در محورهای زیر سامان می‌یابد:

۱. وضعیت جهان اسلام در عصر امام سجاد علیه السلام

حیات امام زین العابدین علیه السلام مصادف با دوران رعب و وحشت ناشی از واقعه کربلا و حکومت ظالمانه بنی امیه واقع شده است؛ به نحوی که مردم به این باور رسیده بودند که هرگونه قیام علیه یزید محکوم به شکست است. از طرفی شکست مردم مدینه در «فاجعه حرّه» و شکست مردم مکه در قیام علیه یزید، موجب تغییر رویکرد مسلحانه علیه حاکم ظالم شد. مسعودی در تشریح اوضاع زمان امام می‌گوید: حضرت سجاد علیه السلام در زمانی دشوار امامت را بر عهده گرفتند و به صورت مخفی و با تقیه شدید به تربیت انسان‌ها همت گماردند تا بتوانند مسیر اصلی اسلام و تشیع را در راه خود حفظ کنند.^۱ ۲۱ سال ۲۱ سال^۲ از امامت حضرت با خلافت عبدالملک بن مروان مصادف شده بود.^۳ این حاکم ظالم از طریق کشتار و قتل فضایی ترسناک برای دوستداران اهل بیت علیهم السلام به وجود آورده بود و با گماردن حاکمان جابر، انگیزه هرگونه دادخواهی و ندای عدالت‌خواهی را در دل مردم مظلوم آن زمان خفه کرده بود. دورانی بسیار سخت که در پی شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش به وجود آمده بود، به این سادگی از

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۹۶.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۴۴: راوی می‌گوید امام سجاد علیه السلام فرمود: «مَا بِمَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ عَشْرُونَ رَجُلًا يُجَبَّنَا؛ در مکه و مدینه، بیشتر از بیست نفر از دوستان ما وجود نداشت.»

۳. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۲۴۱.

ذهن مردم پاک نمی‌شد. سخت‌گیری‌های هشام بن اسماعیل، حاکم وقت مدینه بر خاندان اهل بیت علیهم السلام و دوستدارنش چنان بود که ولید بعد از مرگ پدرش ناچار به برکناری او شد؛^۱ لذا در این شرایط امام سجاد علیه السلام به ناچار از روش دیگری برای تبیین، توسعه و ترویج فرهنگ دینی در تقابل با حاکمان جائر بهره می‌برد.

۲. دعا؛ بهترین شیوه مبارزه

در اسلام، عبادت دارای ابعاد مختلفی است که متأسفانه فقط به جنبه فردی آن همچون نماز و روزه اشاره شده است؛ در حالی که عبادت در یک نگاه عمیق و موشکافانه علاوه بر بعد فردی، دارای ابعاد فراوان در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... است. سیره امامان علیهم السلام سرشار از معارف بلند الهی است که در همه جای زندگی ایشان به چشم می‌خورد. مناجات با حضرت رب و دعای انسان نیازمند به درگاه آن بی‌نیاز، خدمت به مردم با هدف رضای پروردگار، همه از سلوک معنوی ایشان در برابر قادر متعال حکایت دارد.

دعا و نیایش برای ائمه معصومین علیهم السلام به مثابه انسان‌های کامل و نقطه اتصال عالم ناسوت به عالم لاهوت، حلقه وصلی به سوی محبوب است که در هر زمانی برای این ارتباط عاشقانه بهره می‌بردند. امام کاظم علیه السلام زندان تاریک را به روشنایی دنیای بیرون برای عبادت ترجیح می‌داد و این نشان‌دهنده میل ذاتی ایشان به نقطه‌نهایی عبادت یعنی بندگی و عبودیت است. دعا و نیایش و عبادت و معنویت برای امام سجاد علیه السلام نیز بهترین روش برای معرفی معارف اسلامی و مبارزه با طاغوت زمان بوده است.

۱. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۴۷.

ایشان با درک عمیق و با شناختی که از مقتضیات عصر خود داشت، به این نتیجه رسید که بهترین شیوه برای افشاگری فسق و ظلم حاکمان و روشن کردن دیدگان عمومی مردم و آشکارکردن عملکرد ظالمانه حکومت، استفاده از سلاح دعا به جای مبارزه مسلحانه است. حضرت در قالب دعا و نیایش، مفاهیم ارزشمندی را برای مردم بازگو می‌کردند. از جمله روشنگری‌های حضرت درباره غاصبانه‌بودن حکومت و بدعت‌های نامشروع آن، دعای چهل و هشتم صحیفه سجادیه است؛ آنجا که از فرصت روز عید قربان مصادف با روز جمعه استفاده می‌کند و می‌فرماید: پروردگارا! این مقام [حکومت] که مخصوص خلفای تو و برگزیدگان تو و جایگاه امنای تو در درجه بلندی است که ایشان را به آن اختصاص دادی، غاصبان آن را به غارت برده‌اند و تقدیر آن به‌دست توست، و این تقدیر توست و فرمان تو مغلوب نمی‌شود و از تدبیر محتومت، به هر گونه که بخواهی و هر جا که بخواهی، کس را یارای تجاوز نیست و تو به هر کاری که اراده کنی داناتری و در آفرینش خود متهم نیستی. پس، برگزیدگان و خلفای تو مغلوب و مقهور شدند و حقشان از کف بشد. اکنون می‌نگرند که احکامت دگرگون شده و کتابت به یک سو افتاده و فرایض تو به روش تو به جای آورده نمی‌شود و سنت‌های پیامبرت متروک مانده است.^۱

حضرت در جای دیگر از دعاهای خود به‌صراحت حکومت وقت را حکومت ظالم می‌خواند و از خداوند می‌خواهد تا دستانش را برای برقراری عدل و انصاف در جامعه باز کند تا بتواند سنت متروکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را با حاکمیت دینی احیا کند. ایشان در دعای ۴۷ صحیفه سجادیه در محضر پروردگار عرضه می‌دارد:

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۴۸، ص ۲۳۸.

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا: بار الها! ولی خود را به سپاس آنچه بر او انعام کرد، الهام کن و ما را نیز به شکر نعمت وجود رهبر بر حق ملهم کن و از نزد خویش قدرتی یاری دهنده به او ببخش و درهای کامیابی را سهل و آسان به رویش باز کن؛ وَ أَعِنَهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزُّ، وَ اسُدَّهُ أَرْزُهُ، وَ قَوِّ عَصَدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَ اَحْمِهِ بِحِفْظِكَ وَ انصُرُهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَ اَمُدَّهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ: او را به قوی ترین تکیه‌گاه خود مدد ده و او را پشت گرم کن و بازویش را توان بخش و به نظر لطف و عنایت خود مراقبت و به حفظ خویش حمایت کن و او را به وسیله ملائکه خود یاری ده؛ وَ أَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ، وَ أَحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَ ابْنِ بِهِ الصَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَ أزلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ امْحَقْ بِهِ بُعَاةَ قَصْدِكَ عَوَجًا وَ اِسْنِ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَانِكَ، وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ: به نیرومندترین سپاهت مدد رسان و کتاب و حدود و شریعت و سنت‌های رسالت را به وسیله او بر پادار و آنچه از علائم آئینت را که اهل تجاوز می‌رانده‌اند، به وسیله او زنده کن و از برکت وجودش زنگار ستم از طریقت خود پاک فرما و ناهمواری را از جاده خود برطرف کن و به وسیله او آنان را که انحراف از راهت گزیده‌اند، از سر راه بردار و آنان را که قصد ایجاد کجی دارند، از عرصه حیات ریشه کن فرما و دلش را در حق دوستانت نرم و دستش را بر دشمنات گشوده کن.^۱

رعب و وحشت از دستگاه حکومت ظالم بنی امیه در دوران امامت حضرت زین العابدین علیه السلام به گونه‌ای بوده است که حتی حضرت برای تذکر اشتباه اعتقادی برخی گمراهان، ناچار از تقیه بودند. در روایتی منقول است که روزی

حضرت در مسجد رسول خدا ﷺ مشغول عبادت بودند که شنیدند: مردمی خداوند عالم را به بندگانش شبیه کرده‌اند. ایشان از سخن این گروه گمراه به هراس افتادند و به خود لرزیدند. برخاسته و نزد قبر مطهر رسول خدا ﷺ آمدند و با صدای رسا با پروردگار خویش این‌گونه به مناجات پرداختند: «بار خدایا! قدرت تو آشکار گشته؛ در حالی که هیبت جلال تو پدیدار نیست؛ از این رو تو را نشناخته و تو را با اندازه‌گیری‌های مادی اندازه گیرند و بدان چه تو آن‌گونه نیستی، تو را شبیه سازند. بار خدایا! همانا من از کسانی که تو را به مانند مادیات شبیه سازند، بیزارم، خداوندا! چیزی همانند تو نیست و تو را درک ننموده‌اند...»^۱

با دقت در این دعا درمی‌یابیم که چگونه حضرت برای موعظه و ارشاد مجبور به تقیه بوده و مواعظ خود را در قالب دعا بیان می‌فرموده‌اند.

۳. معرفت و انگیزه عبادت در سیره عبادی امام علیؑ

بالاترین درجه عرفان برای یک انسان کامل ارتباط با خالق بی‌همتا و خوف از محضر پروردگار در تمامی لحظات زندگی است؛ زیرا اگر قلب انسان منور به نور ایمان شود، آثار آن نیز در صورتش ظاهر می‌شود؛ لذا در هر حالی خود را در محضر ربوبیش حاضر و خداوند را ناظر به کردارش می‌بیند و قلب و زبانش همیشه در ذکر اوست و از یادش یک لحظه غافل نمی‌شود. امام سجاد علیؑ در تمامی لحظات زندگی اش چنین بود. حلقه گمشده وصال خویش به سوی معبود را در عبادت او می‌دید و از هر فرصتی برای رسیدن به آن دریغ نداشت. ایشان عبادت را از کورکورانه و با ترس از عقاب یا شوق به نعمات بهشتی انجام

۱. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۵۳.

نمی‌دادند؛ بلکه خداوند را شایسته بندگی می‌دانستند. ایشان از انگیزه خود برای عبادت و پرستش خدای متعال چنین می‌فرمایند: من دوست ندارم که عبادتم را به انگیزه و اغراض شخصی خود و برای رسیدن به ثواب‌های آن انجام دهم که مانند بنده طمعکار باشم که اگر خواسته‌اش تأمین شود، عملش را انجام می‌دهد؛ وگرنه رها می‌کند نیز دوست ندارم که مانند بنده بد، وظیفه‌شناس باشم که اگر ترس از مواخذه و کیفر نداشته باشد، هیچ کاری نمی‌کند. از حضرت سؤال شد: پس شما به چه انگیزه‌ای خدا را عبادت می‌کنید؟ فرمود: این نعمت‌ها و الطاف فراوان باعث می‌شود که او را مستحق عبادت و سزاوار پرستش بدانم.^۱

۴. سیره امام سجاد علیه السلام در عبادت

امام سجاد علیه السلام را آقا و سرور عبادت‌کنندگان می‌خوانند؛^۲ حافظ رجب بررسی می‌سراید:

هَذَا بَقِيَّةُ آلِ اللَّهِ سَيِّدِ أَهْلِ الْأَرْضِ زَيْنُ عِبَادِ اللَّهِ كُلُّهُمْ
او باقی‌مانده آل‌الله و بزرگ‌اهل‌ولاست

سید زمینیان زینت تمام بندگان خدا

نَجْلِ الْحُسَيْنِ الْفَتَى الْبَاقِي وَ وَاوْرَثِهِ وَالسَّيِّدِ الْعَابِدِ السَّجَّادِ فِي الظُّلَمِ^۳
فرزند جوانمرد باقیمانده و وارث امام حسین

و سرور و عابد و سجاد در تاریکی‌های شب

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷ ص ۱۹۸.

۲. همان، ج ۴۶، ص ۷.

۳. حافظ بررسی، مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين، ص ۳۷۵.

- نماز در سیره عبادی امام علیه‌السلام

در حالات آماده‌شدن ایشان برای نماز آورده‌اند که آن حضرت هرگاه می‌خواست اراده نماز کند و برای وضو مهیا می‌شد؛ رنگش زرد می‌شد؛ عرض کردند که یابن رسول‌الله! چرا در موقع وضو حال شما تغییر می‌کند؟ می‌فرمود: می‌دانید، برای رسیدن به خدمت چه کسی خود را مهیا می‌کنم؟^۱ در روایت دیگر نقل شده است که حضرت سجاد علیه‌السلام در اوقات نماز، رنگ مبارکش متغیر و اثر طپش و لرزه در بدن مبارک او هویدا می‌شد. سبب این حالت را از او جویا شدند، فرمودند: خداوند در قرآن فرموده است: **فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ**؛^۲ به یاد آر نماز و سایر عبادات را آن چنان که به آن امر شدی. «می‌ترسم که آن نمازی که من به جا می‌آورم، موافق رضای پروردگار عالم نباشد.»^۳ امام باقر علیه‌السلام در وصف نماز پدر بزرگوارشان می‌فرماید: موقعی که علی بن حسین علیه‌السلام به نماز بر می‌خاست، رنگ صورت او دگرگون می‌شد و چون به سجده می‌رفت تا از فشار سجده، سر و جانش در عرق نمی‌شد، سر بر نمی‌داشت.^۴

حضرت زین العابدین علیه‌السلام در اوصاف نمازگزاران، روایتی را از جد بزرگوار خود علی علیه‌السلام نقل می‌فرمایند: روزی ایشان نماز گزاردند و در جای خود نشستند [و مشغول عبادت شدند] تا آن‌گاه که آفتاب طلوع کرد؛ بعد از آن متوجه مردم شد و فرمود: به خداوند سوگند! گروهی قبل از ما گذشتند که همواره خدا را سجده می‌کردند. آنها در حال قیام و سجده، خدا را پرستش می‌کردند [در حالی که] چهره‌ها و زانوهای خود را بر زمین می‌گذاشتند، گویا صدای آتش در گوش

۱. فضل‌بن حسن طبرسی، اعلام‌الوری، ج ۱، ص ۴۸۸.

۲. هود، آیه ۱۱۲.

۳. شهید ثانی، شرح مصباح‌الشریعه، ص ۱۸۷.

۴. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۱۱.

آنها نواخته می‌شد، هنگامی که نام خدا به میان می‌آمد، مانند درختان می‌لرزیدند.^۱

روایات فراوانی بر اهمیت بوی خوش و معطر بودن وارد شده است؛ تا آنجا که آن را از اخلاق پیامبران دانسته‌اند.^۲ عبد الله بن حارث می‌گوید:

علی بن الحسین علیه السلام شیشه مشکی در نمازخانه خود داشت. هر گاه برای ادای نماز به آنجا داخل می‌شد، اندکی از آن برمی‌داشت و به خود می‌مالید.^۳ ایشان بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام در هنگام نماز خشن‌ترین لباس‌ها را بر تن می‌کرد.^۴ شدت علاقه حضرت به عبادت به خصوص فریضه نماز چنان بود که عمرو بن شمر از جابر جعفری از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت علیه السلام فرمود: علی بن حسین علیه السلام در هر شبانه‌روز هزار رکعت نماز می‌خواند [هنگام نماز چنان از خود بیخود می‌شد که] باد او را همانند خوشه گندم به این سو و آن سو می‌برد.^۵ عبدالله بن علی بن حسین می‌گوید: پدرم در شب آن قدر نماز می‌خواند که دیگر از خستگی نمی‌توانست به روی پای خود بایستد؛ آن‌گاه به طرف رختخواب می‌رفت.^۶ در روایت دیگر امام باقر علیه السلام می‌فرماید: پانصد درخت خرما داشت که کنار هر کدام دو رکعت نماز می‌خواند.^۷

حضرت بر عبادت علاقه وافری داشته است؛ اما ایشان همه اینها را در برابر عبادت جد بزرگوارشان علی علیه السلام ناچیز می‌دانستند. روزی فرزند بزرگوارشان امام

۱. عزیزالله عطاردی قوچانی، ایمان و کفر (ترجمه جلد ۶۴ بحار الأنوار)، ج ۱، ص ۳۰۱.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱۱، ص ۳۱۰.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۲۰۳.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۴۲.

۵. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۴۳.

۶. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۰۰.

۷. همان، ج ۴۶، ص ۸۰.

باقر علیه السلام بر او وارد شدند؛ مشاهده کردند: پدرش از فرط عبادت کاملاً چهره‌اش تغییر کرده و از بیداری شب‌ها صورتش زرد شده و از گریه کردن چشم‌هایش ورم کرده و پیشانی‌اش از کثرت سجود پینه بسته و پاهایش از اثر قیام برای نماز ورم کرده است. حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: من هنگامی که پدرم را در این حال مشاهده کردم، از مشاهده وضعیت او متأثر شدم و گریه کردم. پدرم در این حال در فکر فرو رفته بود؛ پس از مدتی متوجه من شد و گفت: ای پسرک من! بعضی آن اوراق را به من بده که در آنها عبادت علی علیه السلام را نوشته‌اند. من کتاب‌ها را به پدرم دادم و او مقداری از آنها را قرائت کرد؛ پس از این کتاب را با ناراحتی کنار گذاشت و فرمود: کدام شخص توانایی دارد، عبادت علی بن ابی طالب علیه السلام را انجام دهد؟^۱

- روزه در سیره عبادی امام علیه السلام

یکی از ویژگی‌های خاص امام سجاد علیه السلام امساک و روزه‌داری ایشان در طول زندگی‌شان بود. علاقه وافر ایشان به عبادت به‌خصوص در حال گرسنگی از خصوصیات و سیره همیشگی عبادی ایشان به شمار می‌رفت. از کنیز حضرت پرسیدند: امام را در طول سال‌های زندگی چگونه یافتی؟ گفت: خلاصه بگویم یا طولانی؟ گفتند: نه؛ مختصر. گفت: هرگز روز برایش غذا نیاوردم [پیوسته روزه داشت] و هرگز شب برایش رختخواب نگستردم [شب‌ها پیوسته به عبادت مشغول بود].^۲ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: جد بزرگوام، امام زین‌العابدین علیه السلام خیلی زیاد عبادت می‌کرد. روزها روزه داشت و شب‌ها به قیام به سر می‌برد؛ به

۱. فضل‌بن‌حسن طبرسی، اعلام‌الوری، ج ۱، ص ۴۸۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۶۷.

گونه‌ای که باعث بیماری حضرتش شد.^۱

امام صادق علیه السلام در بیان روزه‌داری ایشان می‌فرماید که جد بزرگوارشان امام سجاد علیه السلام روزه دو ماه شعبان و ماه رمضان را موجب توبه در پیشگاه خداوند متعال می‌دانستند.^۲

امام سجاد علیه السلام با فرارسیدن ماه مبارک رمضان از آن با اوصاف کریمه‌ای همچون ماه توبه، ماه مغفرت و رحمت، ماه آزادی از آتش جهنم و ماه رسیدن به بهشت یاد می‌کردند و از خداوند متعال می‌خواستند که ایشان را در این ماه مبارک به عبادت و طاعت موفق بدارد.^۳ ایشان در این ماه به دعا و مناجات و کثرت استغفار سفارش می‌کردند و می‌فرمودند: «فَأَمَّا الدُّعَاءُ فَيُذْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ الْبَلَاءُ وَ أَمَّا الْإِسْتِغْفَارُ فَيَمْحَى ذُنُوبَكُمْ؛^۴ دعا بلاها را از شما دور و استغفار گناهان شما را محو می‌کند.»

درباره حالات آن حضرت در ماه مبارک رمضان آورده‌اند که وقتی این ماه فرا می‌رسید، ایشان جز به دعا و تسبیح و استغفار لب به سخن نمی‌گشودند: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام إِذَا كَانَ شَهْرَ رَمَضَانَ، لَمْ يَتَكَلَّمْ إِلَّا بِالِدُّعَاءِ وَ التَّسْبِيحِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ وَ التَّكْبِيرِ، فَإِذَا أَفْطَرَ، قَالَ: اللَّهُمَّ إِنْ شِئْتَ أَنْ تَفْعَلَ، فَعَلْتَ؛^۵ و وقتی افطار می‌کردند، به پیشگاه باری تعالی این‌گونه دعا می‌کردند که بار خدایا! هر آنچه به صلاح می‌دانی، در حق بنده خود روا دار.»

۱. همان، ص ۶۱.

۲. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۵: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَصِلُ مَا بَيْنَ شَعْبَانَ وَرَمَضَانَ وَيَقُولُ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَّابِعَيْنِ تَوْبَةٌ مِنَ اللَّهِ.»

۳. همان، ص ۴۰۳.

۴. همان، ص ۴۴۰.

۵. همان، ص ۴۴۱.

در فضیلت اطعام روزه‌داران همین بس که پیامبر عظیم‌الشان اسلام سفارش بسیاری بر آن کرده و ثواب آن را معادل با آزادکردن بنده و آمرزش گناهان گذشته دانسته‌اند.^۱ حضرت زین العابدین علیه السلام با تمسک بر سیره جد بزرگوارشان هنگامی که روزهای روزه‌داری فرا می‌رسید، می‌فرمود تا گوسفندی را ذبح می‌کردند و اعضایش را تقطیع می‌کردند و آن را می‌پختند؛ پس شامگاهان به روی دیگ‌ها خم می‌شد تا در حال روزه‌داشتن بوی آن را بیابد و آن‌گاه می‌فرمود: کاسه‌ای بیاورید، برای خانواده فلان از این غذا بکشید؛ برای خانواده فلان غذا بکشید تا همگی آن به پایان می‌رسید؛ پس آن‌گاه نانی و خرمایی می‌آوردند و شام آن امام همان بود.^۲

- حج در سیره عبادی امام علیه السلام

حج یکی از عباداتی است که بسیار بر آن سفارش شده است. امام سجاد علیه السلام بسیار بر این امر تأکید و سعی فراوان برای به جا آوردن آن داشته‌اند. ایشان درباره اهمیت برپایی حج می‌فرمایند: حج و عمره به جای آوردن تا بدن‌هایتان سالم و روزی‌تان وسیع و ایماستان شایسته شود.^۳ اهمیت سفر حج آن‌قدر زیاد بوده است که حضرت به کسانی که توفیق تشریف نداشتند، می‌فرمایند: ای گروه کسانی که حج نکرده‌اید، حاجیان را چون از سفر بازگردند با آغوش و روی باز و چهره خندان استقبال کنید، دستشان را بفشارید و ایشان را بزرگ دارید.^۴ در این صورت در پاداش آنان شریک و سهیم خواهید شد.^۵ شدت علاقه امام زین

۱. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۷۳.

۲. همان، ص ۴۷۲.

۳. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۴۷.

۴. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۶۹.

۵. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۱۱.

العابدین علیهم السلام به سفر معنوی حج چنان بود که زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که امام سجاد علیه السلام ماده شتری داشت که ۲۲ سفر بر او به حج رفته و یک تازیانه به او نزده بود.^۱

تشریف به سفر حج آن‌قدر برای ایشان دارای اهمیت بود که هرگاه مهیای سفر حج یا عمره می‌شد، وضو می‌ساختند و دو رکعت نماز می‌گزاردند و بعد از قرائت سوره‌های حشر، الرحمن، مُعوذتین و توحید به بارگاه ربوبی مناجات می‌کردند و خیر دنیا و آخرت را از محضر پروردگار مسألت می‌داشتند.^۲

در حالات معنوی حضرت در ایام حج آورده‌اند که هنگام محرم‌شدن با قرائت تلبیه و ندای «لیبک» از هوش رفتند و از بالای ناقه به زمین افتادند. وقتی علت را از ایشان جویا شدند، فرمودند: از ترس آنکه پروردگار عالم در جواب لیبکم بگوید: «لالیبک و لاسعدیک».^۳

سعی حضرت بر آن بود که هنگام سفر حج بهترین توشه‌ها را به همراه خود بر دارد. عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: چون امام سجاد علیه السلام به سفر و حج عمره می‌رفت، از بهترین توشه‌ها مانند بادام و شکر و آردهای نرم محمص و محلی برمی‌داشت.^۴

محمد بن ابی حمزه درباره گریه‌های ایشان در نماز از پدرش نقل می‌کند: شبی حضرت علی بن الحسین علیه السلام را در کنار خانه کعبه دیدم که نماز می‌خواند و قیام آن را طول داد؛ تا به حدی که گاهی بر پای راستش و گاهی بر پای چپ تکیه می‌داد؛ سپس شنیدم با صدایی مانند شخص گریان می‌گفت:

۱. همان، ج ۲، ص ۵۱۵.

۲. همان، ج ۶، ص ۶۰۳.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۳۷.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱۵، ص ۶۸۱.

ای آقای من! آیا مرا عذاب کنی با اینکه دوستی تو را در دل دارم؟ هر آینه به عزتت سوگند! اگر چنین کنی میان من و مردمی جمع کنی و مرا با مردمی گرد آوری که دیر زمانی به خاطر تو با آنان دشمنی ورزیده‌ام.^۱

طاوس یمانی گوید: در شبی وارد حجره شدم. در این هنگام علی بن حسین علیه السلام وارد شد. وی مدتی نماز خواند و پس از آن به سجده رفت. گفتم: اینک مرد صالحی از خاندان نبوت به سجده رفته و لازم است، گوش دهم تا وی در سجده چه می‌گوید. پس از این گوش فرا دادم. حضرت می‌گفت: «عَبَّيْدُكَ بِفِنَائِكَ مِسْكِينُكَ بِفِنَائِكَ فَقِيرُكَ بِفِنَائِكَ سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ يَسْأَلُكَ؛ بنده کوچکت به در خانه‌ات آمده، بیچاره آستانت به درگاه تو آمده، فقیر تو به سویت آمده، درخواست‌کننده درگاهت سر به آستانت نهاده است.» ابن طاوس گوید: من این جملات را در هر گرفتاری که خواندم، خداوند او را رفع کرد.^۲

در وصف هیبت و عظمت حضرت سیدالسااجدین علیه السلام در سفر حج روایات فراوانی داریم. برای نمونه هنگامی که ایشان حج به جا می‌آورد، تمام دیدگان مردم مکه محو تماشای شخصیت بزرگ و باعظمت ایشان شده بود. نقل است که هشام به عبدالملک روزی در مسجد الحرام در حال طواف بود و کثرت جمعیت مانع طواف وی شد. ناگاه دید، امام سجاد علیه السلام طواف می‌کند و مردم برای وی راه باز می‌کنند. وی در پاسخ همراهان خویش که از هويت امام سجاد سؤال می‌کردند، خود را به نادانی زد و پرسید: نمی‌دانم، این جوان کیست؟ فرزوق، شاعر معروف اهل بیت علیهم السلام در آنجا بود؛ پس در همان لحظه برای معرفی آن بزرگوار اشعاری بسیار پر معنا و مفهومی در وصف ایشان سرود:

۱. همان، ج ۴، ص ۵۴۹.

۲. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۸۹.

هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءَ وَطَأْتَهُ وَ الْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَ الْحِلُّ وَ الْحَرَمَ

این مرد کسی است که سنگریزه‌های مکه جای پای او را می‌شناسند، خانه کعبه و بیابان‌های حجاز از حل و حرم او را می‌شناسند.

هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ هَذَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ

این فرزند بهترین همه بندگان خدا است، این همان مرد پرهیزکار و پاکیزه و پاکی است که نشانه [خداوند در زمین] است.

يَكَادُ يُمَسِّكُهُ عِزْفَانِ رَاحَتِهِ رُكْنُ الْحَطِيمِ إِذَا مَا جَاءَ يَسْتَلِمُ

هنگامی که برای دست مالیدن و بوسیدن حجر الاسود می‌آید، نزدیک است رکن حطیم [که میان حجر الاسود و درب کعبه است] به خاطر آشنایی با آن دست، آن را نگهدارد.

إِذَا رَأَتْهُ قُرَيْشٌ قَالَتْ قَائِلُهُا إِي لِي مَكَارِمِ هَذَا يَنْتَهِي الْكَرَمِ

هرگاه قریش او را دیدار کنند، گوینده ایشان گویند: به جوانمردی‌ها و بزرگواری‌های این مرد کرم و جوانمردی پایان پذیرد.^۱

۱. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۴۹.